

دو هفته در ایران

محمد تقی علی عابدی*

ای نام تو بهترین سرآغاز بی‌نام تو نامه کی کنم باز
ای یاد تو مونس روانم جز نام تو نیست بر زبانم
از ظلمت خود رهایی‌ام ده با نور خود آشنایی‌ام ده

بعد از حمد و سپاس خداوندی و درود و سلام بر محمد (ص) و آل محمد که از رحمت ایزد تعالی و کرم معصومین^ع در آخر ماه می ۲۰۰۶ میلادی ساعت یازده صبح یک تلفن داشتم از خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو، هند. به‌توسط این تلفن یکی از کارکان خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران و دوست من دکتر کلیم اصغر به‌من گفت که برای پانزده روز دوره اردوی (جهانگردی) ایران‌شناسی است و شما هم منتخب شده‌ای همراه با دیگر اساتید هندی. من خیلی مسرور شدم که در این دوره ایران‌شناسی من به‌زیارت امام علی ابن موسی الرضا^ع، معصومه قم و شاه عبدالعظیم^ع نیز نایل می‌شوم. قبلاً هم دوبار در کنگره بین‌المللی شیخ مرتضی انصاری در سال ۱۹۹۴ میلادی و در تربیت مدرس در سال ۱۹۹۶ میلادی به‌ایران سفر کرده بودم.

من سؤال کردم که برای اردوی ایران‌شناسی چند استاد منتخب شده‌اند. دکتر کلیم اصغر گفت "یک گروه چهارده نفری است که در هفته اول ماه ژوئیه از هند حرکت می‌کند طرف ایران".

* استاد بخش علوم شرقیه (عربی و فارسی) دانشگاه لکهنو، لکهنو.

به دانشگاه لکهنو رسیدم آنجا رئیس بخش فارسی دکتر عارف ایوبی، فرمی را به من داد. من ساعت چهار از دانشگاه به خانه خود برگشتم و تمام خانواده خود اطلاع دادم که ایران مرا دعوت کرده است. روز دیگر آن فرم را به همراه فتوکاپی گذرنامه خود طرف خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو ارسال کردم.

در ماه ژوئن آخر [غالباً ۲۲ ژوئن ۲۰۰۶ م] یک تلفن دیگر گرفتم. به توسط این تلفن دکتر کلیم اصغر مرا اطلاع داد که این گروه چهارده نفره به تاریخ ۷ ژوئیه به روز جمعه ساعت یک با هواپیمای ماهان به ایران پرواز دارد. لذا شما تا حداقل تاریخ ۵ ژوئیه دهلی بیاید تا که کار ویزا و بلیت و غیره انجام یابد. من قبول کردم و به توسط قطار لکهنو ساعت ۱۰ شب حرکت کردم از لکهنو به طرف دهلی. ساعت ۸/۳۰ صبح روز چهارشنبه به تاریخ ۵ ژوئیه به خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو آمدم و آنجا ملاقات کردم با دکتر حسین مظفری، دکتر فرخزاد، دکتر کلیم اصغر، دکتر مهدی خواجه‌پیری و غیره. علاوه بر این اساتید هندی که در این گروه شامل بودند را هم دیدم، پروفیسور محمد غفار صدیقی و دکتر سید انور حسن زاهدی از پتنا، دکتر خانم تمیز فاطمه از امراوتی مهاراستر، دکتر رکیب الدین از گوهای آسام، دکتر محمد اسد علی خورشید، دکتر عثمان غنی و دکتر احتشام الدین از علیگره، دکتر عتیق الرحمن از دهلی، خانم رضوی و دکتر عارف فرید ایوبی از لکهنو و...

این گروه یازده نفری کار ویزا و بلیت خود را انجام داد و روز پنجشنبه به تاریخ ۶ ژوئیه نهار خوردیم با دکتر حسین مظفری، دکتر فرخزاد آقای نوروزی و دکتر کلیم اصغر. در این جلسه دکتر حسین مظفری کمی توضیح داد که این دوره اردوی ایران‌شناسی است و گفت این اولین گروه استادان زبان و ادبیات فارسی هند است که برای اردوی ایران‌شناسی منتخب شده است. در این جلسه مرا به حیث رئیس گروه انتخاب کردند. من با کمی تأمل، این را قبول کردم و با دوستان خود هماهنگی کردم که ان شاء الله فردا از خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، ساعت ۱۰ صبح حرکت می‌کنیم به طرف فرودگاه ایندرا گاندی بین‌المللی. تلفن و آدرس محل اسکان در تهران را یادداشت کردم.

ساعت یک بعد از ظهر پرواز کردیم با هواپیمای ماهان به طرف ایران و بعد از سه و نیم ساعت رسیدیم به فرودگاه بین‌المللی امام خمینی، تهران، ایران.

آن‌جا برای استقبال ما آقای محمد رضا انصاری آمده بود. من به ایشان، تمام استادان هندی را یکی یکی معرفی کردم. به اتوبوس سوار شدیم و آمدیم مهمان‌سرای بنیاد آرژانتین ایران‌شناسی، میدان آرژانتین، اتاق‌های خود را گرفتیم، نهار خوردیم و استراحت کردیم. آن‌جا آقای عباسی مردی جوان و مهمان‌نواز برای مهمان‌نوازی ما موجود بود. در همان شب وقت شام ملاقات کردیم با دکتر عارف نوشاهی^۱. این ملاقات یک یادگاری خوب برای ما بود که قبلاً من فقط نام او را می‌شناختم و آن وقت با چهره و شخصیت وی هم آشنا شدم. دکتر عارف نوشاهی نیز مرا به توسط مجله دانش، اسلام‌آباد، پاکستان می‌شناخت که در دوره مدیریت وی بعضی مقالات بنده در آن مجله چاپ شده بود. دکتر عارف نوشاهی گفت: "در این زمان من یک فهرست را مرتب می‌کنم که در آن کتاب‌های چاپی در هند و پاکستان است و آن در آخرین مرحله است." من و بعضی دوستان من بعضی کتاب‌های چاپی خود را نشاندهی کردند. من در این ملاقات یادگاری بعضی کتاب‌های خود را به ایشان ارائه کردم در آن کتاب‌های اردو (که اصلاً موضوعات آن فارسی است). دکتر عارف نوشاهی یک کتاب بنده به عنوان «باغبانی و کسانی» (این اصلاً ترتیب، تصحیح و مقدمه و ترجمه اردو از مخطوطه فارسی رساله نخلبندی، از ایشیاتک سوسایتی آف بنگال، کلکته، هند) را انتخاب کرد برای آن فهرست که نزدیک چاپ است. من آن کتاب را در این ملاقات یادگاری در خدمت وی تقدیم کردم. وی هم یک کتاب آیینه میراث و حزین‌نامه را به من هدیه کرد.

ما چند روز در کلاس‌های درس تهران بودیم و به اصفهان و شیراز هم رفتیم و در مسیر قم را هم دیدیم و در شیراز مسئول ما آقای محمد رضا انصاری به ما گفت که آقای عابدی برای رفتن به مشهد بلیت هواپیما درست نمی‌شود. اگر شما می‌خواهید بلیت اتوبوس بگیرم تا که شما و خانم زاهده رضوی برای زیارت امام علی رضلاً بروید. من گفتم بلی این را قبول می‌کنم. از آن‌جا رفتیم ترمینال شیراز و دو بلیت را خرید

۱. یکی از بزرگترین محققان پاکستان که قبلاً مدیر مجله دانش، اسلام‌آباد، پاکستان هم بود.

کردیم. اطلاع یافتیم که این اتوبوس از شیراز ساعت چهار می‌رود و دیگر روز صبح ساعت یازده به مشهد می‌رسد. آمدیم هتل. سامان ضروری را یک چمدان دیگر سامان اضافی را انداختم. و آن چمدان در خدمت دکتر اسد علی خورشید کردیم که آن به همراه خود تهران برد. قول دادیم به آقای رضا انصاری که من روز پنجشنبه یا حداقل صبح روز جمعه تهران برمی‌گردیم ان شاء الله. و در این زمان تخت جمشید و نقش رستم را ندیدیم. که برنامه آن روز سه‌شنبه به تاریخ ۱۹ ژوئیه بعد از ظهر بود. من و خانم زاهده یک تاکسی گرفتیم برای ترمینال شیراز و طرف مشهد حرکت کردیم. آن روز من خیلی خوشحال شدم که امام غریباً دعای بنده را قبول کرد و من برای زیارت می‌روم. در میان راه از اتوبوس امامزاده حسین بن موسی کاظم را زیارت کردیم و در مسجد جامع کبیر، موقوفه میر حسن علی نماز صبح را خواندیم. الحمدلله رسیدیم به مشهد مقدس. ساعت یازده و نیم قبل از ظهر به تاریخ ۱۹ ژوئیه روز چهارشنبه. از اینجا دو بلیت تاریخ ۲۰ ژوئیه روز پنجشنبه را گرفتیم که این اتوبوس ساعت ۹ بعد از مغرب از مشهد حرکت می‌کرد. تاکسی گرفتیم و آمدیم حرم مقدس امام رضا. زیارت کردیم از طرف خود، خانواده خود و دوستان خود و دعا کردیم. تمام روز پنجشنبه به تاریخ ۲۰ ژوئیه در حرم مبارک ماندیم و قبل مغرب از اینجا حرکت کردیم و آمدیم طرف اقامتگاه شام خوردیم، نماز خواندیم و با تاکسی آمدیم ترمینال مشهد. اتوبوس گرفتیم و آمدیم تهران. ساعت یازده صبح به تاریخ ۲۱ ژوئیه به مهمان سرا آمدیم. بعداً یک بار دیگر رفتیم برای زیارت شاه عبدالعظیم با دکتر عارف ایوبی. در شب سامان خود را درست کردیم و صبح ۲۲ ژوئیه بعد نماز صبح حرکت کردیم به طرف فرودگاه و آمدیم دهلی و از اینجا با قطار ساعت ده در شب حرکت کردیم به طرف لکهنو و صبح ساعت هفت به تاریخ ۲۳ ژوئیه به شهر خود رسیدیم.

بعضی چیزها که در این سفر توجه مرا جلب کرد اینها بود:

۱. مهمان‌نوازی ایرانیان.
۲. نظافت و صفای خیابان‌ها و بلوارها.
۳. درخت‌ها و پارکها و باغها.
۴. بازارهای بزرگ.

۵. انبوه زنها در خیابانها و حضور فعال آنها.
 ۶. ماشین زیاد (در تهران روز یکشنبه، سه‌شنبه و پنجشنبه ماشین‌های نمره فرد و روز شنبه، دوشنبه و چهارشنبه نمره زوج حق عبور دارد و روز جمعه هر ماشین زوج و هم فرد آزاد است).
 ۷. بعضی جاهای عمومی مثل فرودگاه، ترمینال، بازارهای بزرگ و غیره تلفن باکس رایگان دارد.
 ۸. صندوق هدایا و صدقه (شاید همین وجه است که در ایران مسکین و فقیر و محتاج بسیار کم‌اند).
 ۹. اتوبوس ملی و مترو برای مسافران بسیار کم هزینه است.
 ۱۰. زحمت کشیدن ایرانیان.
- از خداوند عالم امیدواریم که بار دیگر سرزمین مقدس ایران را همراه با معصومان و امامانش زیارت معصومین کنیم. ان شاء الله.